

کتابتِ پیچہ

ISSN : 2228-5679

[illegible]

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ❖ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ❖ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان فی الدین بن محسن عاملی ❖ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ❖ حاج شیخ جعفر شوشتری ❖ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ❖ زندگی نامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ❖ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی ❖ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ❖ سه اجازه از بزرگان حله ❖ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
بیست و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ❖ نگاهی به الاخبار الدخیله ❖ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ❖ آفاق نجف ❖
گزارش سفری به ریاض ❖ تصحیح اعیان الشیعه ❖ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها ❖ آثار نو یافته

کتاب پیوست: مُلحق امل الامل

ابراہیم بن حکم بن ظہیر

سید علمضا حسین



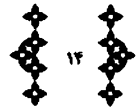
ابراہیم بن حکم بن ظہیر

یورہ الکاتب بمضامن آراء محدثی اہل السنۃ حول
ابراہیم بن حکم بن ظہیر، و تناول هذه الأراء بالتفصيل،
مستجماً أن تضعیفه إنما جاء بسبب نقله لروایات فضائل
اهل البيت عليهم السلام ثم بحث عن سؤال هل أن ابراہیم بن
الحکم بن ظہیر هو نفسه ابراہیم بن حکم بن ابان أم أنه
شخص آخر؟ وأخيراً یحقق فی مذهب ابراہیم بن حکم
بن ظہیر ویخلص إلى أنه كان شیعياً إمامياً.

چکیده: نگارنده، پس از نقل پیاره‌ای از دیدگاه‌های
محدثان اهل تسنن در مورد ابراہیم بن حکم بن
ظہیر، آن نظر را تحلیل می‌کند، و نتیجه می‌گیرد
که تضعیف آنها به دلیل نقل روایاتی در فضائل
اهل بیت عليهم السلام است. آنگاه بحث می‌کند که آیا ابراہیم
بن حکم بن ظہیر همان ابراہیم بن حکم بن ابان
است یا نه. پس از آن درباره مذهب ابراہیم بن حکم
بن ظہیر بحث می‌کند و نتیجه می‌گیرد که او شیعی
امامی است.
کلید واژه: ابراہیم بن حکم بن ظہیر؛ ابراہیم بن
حکم بن ابان؛ رجال حدیث؛ راویان شیعی؛ محدثان
اهل تسنن.

کتاب ششم (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(مقالات)
ابراہیم بن حکم بن ظہیر



ابراهیم بن حکم بن ظهیر از آن دسته راویانی است که می‌توان در نگاشته‌های گوناگون امامیه و اهل سنت از او نشان دید. چگونگی برخورد دانشیان رجالی عامه با وی، وریشه یابی و نمایاندن زیر ساخت‌های آن، یکی بودن یا نبودن او با ابراهیم بن حکم بن ابان، نگاه به درون مایه احادیث و سخن از مذهب وی را در این نوشتار دنبال می‌کنیم.

ابراهیم بن حکم بن ظهیر و دانشیان رجالی عامه

ابن ابی حاتم رازی نخستین کسی است که در الجرح والتعديل، از ابراهیم بن حکم بن ظهیر سخن گفته است. او طبقه و شخصیت راوی ابراهیم را این گونه می‌نمایاند:

إبراهیم بن الحکم بن ظهیر، أبو إسحاق، قدم الری، عن أبیه، وشریک بن عبد اللہ، وعلی بن عابس، وعلی بن هاشم بن البرید، و محمد بن فضیل، سمعت أبا یقول: هو کذاب. کتب عنه أبی - یالری - ولم یحدث عنه، ترک حدیثه.^۱

۱. الجرح والتعديل ج ۲، ص ۹۲، نش ۵۵۳.

بنابراین، کهن‌ترین دیدگاه رجالی درباره ابراهیم بن حکم از آن ابو حاتم رازی است که او را درک کرده و از وی تحقیر روایت کرده است، هر چند که این تحقیر، هیچ گاه لباس بازگویی و تحدیث را به تن نکرده است.

ذهبی در میزان الاعتدال، گزارش دیگری از چگونگی نگاه ابو حاتم رازی به ابراهیم بن حکم آورده است که نکته‌ای افزون را در بر دارد: «قال أبو حاتم: کذاب. روی فی مثالب معاویه، فمؤثنا ما کتبنا عنه».^۲

۲. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۷، نش ۷۳.

۳. رد المحتار المیزان، ج ۱، ص ۲۹.

همانند این عبارت را در لسان المیزان عسقلانی نیز می‌بینیم.^۳

پس از ابو حاتم رازی، علی بن عمر دارقطنی و ابوالفتح ازدی نیز، ابراهیم بن حکم بن ظهیر را ضعیف خوانده‌اند. نگاه قطنی در میزان الاعتدال، و نگاه ازدی و دارقطنی در لسان المیزان نمایان شده است.^۴

۴. بکریه به آدرس‌های پیشین هر دو مصدر.

ریشه یابی تضعیف

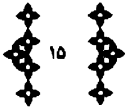
به هنگام جستجو در نگاشته‌های عامه، به هدف شناسایی عوامل تضعیف راویان، دو عامل به روشنی خودنمایی می‌کند که می‌توان از آنها چنین یاد کرد:

- نادیده گرفتن عدالت اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بیان نقاط ضعف آنان؛

- روایت کردن فضائل اهل البيت علیهم السلام به شکل گسترده. عبارت «روی فی مثالب معاویه، فمؤثنا ما کتبنا عنه»، اشاره به عامل نخست دارد.

پدر ابراهیم، حکم بن ظهیر که ابراهیم روایات بسیاری را از او نقل می‌کند نیز از همین زاویه به نقد کشیده شده است. ابن حبان در کتاب المجروحین، او را چنین می‌شناساند:





الحکم بن ظہیر الفزاری الکوفی، یروی عن السدی وعاصم بن یزید، روى عنه الکوفیون، کان یشتد أصحاب محمد ﷺ یروی عن المشتقات الأکیاء الموضوعات، وهو الذی یروی عن عاصم، عن یزید عن عبدالله، عن النبی ﷺ قال: إذا رأیت معاویه علی منبری فاقتلوه^۵.

گستره سخت گیری دانشیان عامه برخورده گیران و سرزنش کنندگان اصحاب پیامبر اکرم ﷺ تا بدانجاست که گاهی فرد را از حریم دین داری بیرون دانسته و او را کافر و زندق می پندارند^۶.

روی آوردن به روایاتی که فضائل اهل بیت ﷺ را در خود جای داده اند، و کوشش در نقل این گونه روایات، از دیگر عوامل تضعیف نزد دانشیان عامه است.

نگاهی گذرا به دیدگاه های دانشیان رجال عامه روشن گر این حقیقت است که هرگاه دو عاملی خرد گیری بر اصحاب پیامبر ﷺ و نقل فضائل اهل بیت ﷺ دست به دست هم داده، و یا یکی از آن دو، به ویژه خرد گیری بر صحابه، ریخ نموده است، تضعیف راوی را در پی داشته است.

نمایاندن نمونه هایی از این دست، در این فراز از سخن، سودمند است.

ابن حبان در کتاب المجروحین و دریاد کرد تلید بن سلیمان محاربی می گوید:

روی عنه الکوفیون. و کان رافضیاً یشتد أصحاب محمد ﷺ، و روی فی فضائل اهل البيت عجائب، وقد حمل علیه یحیی بن معین حملاً شديداً وأمر بتركه^۷.

ابن عدی در کتاب الکامل فی ضعف الرجال، و از زبان محمد بن احمد بن حماد روشن تر سخن گفته است:

سمعت یحیی بن معین یقول: تلید بن سلیمان کان کذاباً، و کان یشتد عثمان بن عفان، و کل من شتم عثمان أو أحداً من أصحاب رسول الله ﷺ دجال فاسق ملعون لا یکتب حدیثه، و علیه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعین^۸.

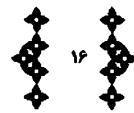
ابن حبان به هنگام سخن درباره زیاد بن المنذر آورده است:

کان رافضیاً، یضع الحدیث فی مثالب أصحاب النبی ﷺ، و یروی فی فضائل اهل البيت أشياء ما لها أصول، لا تحل كتابة حدیثه.

قال یحیی: زیاد بن المنذر أبو الجارود، کذاب عدو الله لیس یساوی فلساً. وقال أحمد، أبو الجارود متروك الحدیث و قال البخاری: رماه ابن معین. وقال ابن عدی و ابن معدان:

نکلم فیہ و ضغفه؛ لأنه کان یروی أحادیث فی فضائل اهل البيت، و یروی ثلب غیرهم و یفرط^۹.





عمود ریاد عمر بن شمر جعفی می گوید:

كان رافضياً يشتم أصحاب رسول الله ﷺ وكان ممن يروي الموضوعات عن الثقات في فضائل أهل البيت وغيرها، لا ليحل كتابة حديثه إلا على جهة التعجب^١.

درون مایه روایات ابراهیم بن حکم بن ظهیر

ابراہیم بن حکم ازجملہ خردہ گیران برعثمان خلیفہ سوم است، گرچہ او حوضسورپرنگز و چشم گیری درنگاشته های عامہ ندارد، ولی می توان درروایات فقہی و فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و مہدویت "ردای او را دید.

روایات فقهی وی در دو موضوع «صلاة»^{۱۲}، و «قضاء»^{۱۳} وارد شده است.

درون مایهٔ احادیث فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام راکه به نگاشته‌های عامه راه یافته‌اند، می‌توان در موضوعات زیر نمایاند:

- علی علیه السلام نماد هدایت^{۱۲}؛

- علی علیه السلام پیشی گیرنده در امت پیامبر صلی الله علیه و آله؛^{۱۵}

- ولایت علی علیہ السلام بر تمام مردان و زنان با ایمان، پس از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم؛

- نیازمندی عالمان برجسته عراق و شام به علی علیه السلام و بی نیازی وی از آنها؛^{۱۷}

نخستین و آخرین - تنها - فرد عمل کننده به دستور پرداخت صدقه بیش از نوجوایا یا سامیعیان^{۱۸}.

درون مایه روایات ابراهیم بن حکم بن ظهیر درنگاشته های امامیه را در سه دسته صفات خداوند، مهدویت و فضائل ائمه المؤمنین علیهم السلام می توان جای داد.

از دسته نخست، تنها در روایت، که در حقیقت يك روایت اند، به كتاب التوحيد شيخ صدوق راه یافته است.

بشارت پیدایش مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام که همنام و شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله است و پس از فراگیر شدن ستم بر روی زمین، عدالت را برپا خواهد کرد. موضوع، در روایت مرسل و مسندی است که مرحوم نعمانی و شیخ طوسی آورده اند.^{۱۰}

روایات فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) موضوعات زیر را در خود جای داده اند:

- هلاکت و نابودی پیامد زیاده روی و فروگذاری در دوستی با علی علیه السلام؛

۱- آگاهی علی علیه السلام از آنچه در گذشته رخ داده، و هر آنچه تا قیامت رخ خواهد داد؛

- برخورداری علی علیه السلام از فصل الخطاب^{۲۳}؛

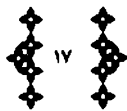
١٠. المصورين ج ٢ ص ٥٥. رواية آغاخي بشتوراك:
الكامل في صفات الرجال ج ٣ ص ١٢. ص ٥٦٥ و٥٦٦ و٥٦٧
١١. ج ٢ ص ٢٢٨. ص ١٧١. ص ٢٢٢. ص ١٧٢. ص ١٧٣.
١٢. ر.ك. المعادي المنظر في صوة الأسماء ج ١ ص ١٢٦. ص ١٢٧.
١٣. سنن الدار قطن ج ١ ص ١٢٦. ص ١٢٧. ص ١٢٨. ص ١٢٩.
١٤. أخبار القضاة ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.
١٥. ر.ك. التواضع ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.
١٦. ر.ك. تاريخ طبقة وطلوع ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.
١٧. ر.ك. التواضع ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.
١٨. ر.ك. التواضع ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.
١٩. ر.ك. التواضع ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.
٢٠. ر.ك. التواضع ج ١ ص ١٢٨. ص ١٢٩. ص ١٣٠.

١٦١. روك: تفسير فوات الكوكبي، للطوسي، ص ١٨٩.
١٦٢. روك: بستان المرحبات ج ١، ص ٢٩٩، ج ٢، ص ١٥، ج ٢، ص ١٢.
١٦٣. بستان ج ١، ص ٢٩٩، ج ٢، ص ١٥، ج ٢، ص ١٢.



کتاب شعبہ (۲)
سال اول، شمارہ دوم، یاسیز و زمستان (۱۳۸۹)

(مفالات)



- بر خورداری علی علیه السلام و فرزندان امام وی، از توان شناسایی درون افراد، از چهره هایشان^{۲۱}

- بر خورداری علی علیه السلام از «علم الکتاب»^{۲۲}

- پیشوایی علی علیه السلام و فرزندان او بر توفیق پیشه گان^{۲۳}

- علی علیه السلام نخستین و آخرین - تنها - فرد عمل کننده به دستور پرداخت صدقه، پیش از نجوا با پیامبر^{۲۴}

- ضرورت پیروی همه جانبه از علی علیه السلام^{۲۵}

- کافر خواندن منکران ولایت علی علیه السلام^{۲۶}

- دوستی با علی علیه السلام نشانه ایمان و بغض به وی نشانه نفاق^{۲۷}

- ولایت علی علیه السلام بر تمام مردان و زنان با ایمان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله^{۲۸}

بنابراین می توان دوزیر ساخت از زیر ساخت های ضعیف انگاشتن راویان، از دیدگاه دانشیان عامه؛ یعنی نادیده گرفته عدالت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و روایت کردن فضائل اهل بیت علیهم السلام و از آن میان علی علیه السلام را، در روایات ابراهیم بن حکم بن ظهیر به روشنی دید.

ابراهیم بن حکم بن ظهیر و ابراهیم بن حکم بن ابان

علامه شوشتری در کتاب قاموس الرجال، عبارتی آورده اند که پنداریکی بودن ابراهیم بن حکم بن ظهیر و ابراهیم بن حکم بن ابان را در پی دارد:

وعنون ابن حجر ابراهیم بن الحکم بن ابان العدنی، فان

«ضعیف وصل مراسیل، من التاسعة» ولم أدر هل هو هذا؟ حزفه، أو أراذ غیوه^{۲۹}.

این سخن، یاد کرد ابراهیم بن حکم بن ابان در کتاب تقریب التهذیب را نشان گرفته است^{۳۰}.

علاوه بر این، به چهار عامل دیگری می توان اشاره کرد که پایه های چنین پنداری را استوار می کنند. این چهار عامل عبارت اند از:

الف) قرار گرفتن هر دو راوی در یک طبقه؛

ب) روایات بسیار هر دو راوی از پدرانشان؛

ج) تضعیف هر دو راوی؛

د) وجود روایتی در فضائل اهل بیت علیهم السلام از ابراهیم بن حکم بن ابان^{۳۱}؛

با این همه، یکی بودن این دو راوی، توان فراتر رفتن از یک پندار را ندارد.

اگر به کتاب الجرح والتعديل این ابی حاتم که نخستین یاد کرد از ابراهیم بن حکم بن ظهیر را در

۲۴. پیشین: ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۱۲۸۳.
۲۵. پیشین: ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۸۱۶.
۲۶. ر.ک: ناول الکات، به نقل از نصر محمد بن العباس ابن المعاصر ص ۳۸۱.
۲۷. پیشین: ص ۶۲۸.
۲۸. پیشین.
۲۹. ر.ک: الأمانی، للمفید، ص ۳۰۷، ح ۱۵، الأمانی.
۳۰. ر.ک: الأمانی، للمفید، ص ۷۷، ح ۱۱۲.
۳۱. ر.ک: الأمانی، للمفید، ص ۲۲۷، ح ۴۴۴.

۳۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۷۴.
۳۳. ر.ک: تغریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۴، نش ۱۹.
۳۴. در تصورات الکبری، ص ۲۸۸، ح ۳۸۹، روایت با سند زمر آمده است: «هذه من جعفر بن محمد بن بشیر بن یونس، قال حدثنا حریث بن محمد، قال: حدثنا ابراهیم بن الحکم بن ابان، عن ابی عن السدی» و سنی از معروف ترین اسناد حکم بن ظهیر در ابراهیم بن حکم بن ظهیر است.





قوت می بخشید.

ولی چنین می نماید که عنوان ابراهیم بن الحکم بن ابان در این سند، دست خوش تحریف شده است، بدین گونه که در اصل «ابراهم بن الحکم عن أبيه» بوده است، و ابراهیم بن حکم در حاشیه بعضی از نسخ به «ابن ابن» تفسیر شده، و این تفسیر در گذر زمان وبه اشتباه، بخشی از متن پنداشته شده و از همین روجه متن انتقال یافته است.

این گونه از تحریف، از گونه تحریفات دامنه دارد راسامی و عناوین راویان است.

وجود روایتی با این سند: «حدَّثنا أحمد بن محمد بن سعيد، عن حريث بن محمد الحارثي، عن إبراهيم بن الحكم بن ظهير، عن أبيه، عن الشَّذِّي، عن أبي مالك، عن ابن عباس» در تأویل الآيات "به نقل از تفسیر محمد بن عباس، ابن ماهیار، که از تفسیر کهن امامیه بوده وبه دست ما نرسیده است و همچنین وجود روایتی با این سند: «حدَّثنا أبو العباس بن عقدة، قال: حدَّثنا حريث بن محمد بن حريث بن قطن الحارثي، قال حدَّثنا إبراهيم بن الحكم بن ظهير، قال: حدَّثنا أبي، عن الشَّذِّي، عن أبي مالك، عن ابن عباس» در کتاب شواهد التنزيل^{۶۲}، و روایتی دیگر در همین کتاب با سند: «حدَّثنا عن أبي العباس بن عقدة، قال: حدَّثني حريث بن محمد بن حريث، حدَّثنا إبراهيم بن الحكم بن ظهير^{۶۳}» به روشنی پیدایش تحریف در عنوان ابراهیم بن حکم بن ابان، در سند تفسیر فوات را نشان می دهد.

مذهب ابراهیم بن حکم بن ظهير

در نگاشته های کهن امامیه سخن روشنی درباره مذهب ابراهیم بن حکم بن ظهير یافت نمی شود، ولی جمعی از دانشیان رجال امامیه، خود داری نجاشی و شیخ طوسی، از نمایانان نادرستی مذهب راویان یاد شده در دو کتاب رجال النجاشي والفهرست را نشانگر درستی مذهب امامی بودن راوی می دانند^{۶۴}.

بنابراین، داده های این دو کتاب، در شناخت مذهب راویان، نقش آفرین خواهند کرد، از این رو، نخست، به سراغ این دو کتاب رفته و سپس ادامه سخن را پی می گیریم.

رجال النجاشی:

ابراهیم بن الحکم بن ظهير الفزاري، ابواسحاق، ابن صاحب التفسير عن الشَّذِّي، له كتب: منها الملاحم وكتاب الخطب، أخبرنا محمد بن جعفر، قال: حدَّثنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدَّثنا يحيى بن زكريا بن شبين، عن إبراهيم بكتبة^{۶۵}.

الفهرست:

ابراهیم بن الحکم بن ظهير الفزاري، ابواسحاق، ابن صاحب التفسير عن الشَّذِّي.

۶۲. رك: تأويل الآيات، ص ۳۸۱.

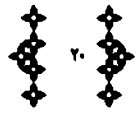
۶۳. رك: شواهد التنزيل ج ۱، ص ۳۳، ج ۱۶.

۶۴. پیشین ج ۲، ص ۳۲۹، ج ۹۷۰.

۶۵. برای نمونه بنگرید به: الرسائل الرجالية ج ۱، ص ۱۴۴، ج ۳، ص ۲۰۱؛ و ص ۱۰، ص ۱۳۶، ج ۱۹، فهارس الرجال ج ۱، ص ۶۲۵.

۶۶. رجال النجاشي، ص ۱۵، ج ۱۵.





صنّف لنا كتباً، منها كتاب الملاحم وكتاب الخطب، خطب عليّ عليه السلام. أخبرني بهما أحمد بن محمد بن موسى، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدّثني يحيى بن زكريا بن شيبان، عن إبراهيم بن الحكم^{۲۰}.

علامه خوشترى در کتاب قاموس الرجال عبارت «صنّف لنا كتباً»، در الفهرست را، نشانگر عامی بودن ابراهیم بن حکم بن ظهیر از نگاه شیخ طوسی دانسته است:

ولمّا الفهرست، فكالصريح في كونه عامياً، حيث قال: «صنّف لنا كتباً ومعناه أنّه ليس مثلاً لکنّه صنّف لنا، كما عنوان محمد بن جریر الطبري العامي، لکونه صنّف لنا کتابا في طريق غدیر خم»^{۲۱}.

بر آشنایان یا دو کتاب رجال النجاشی و الفهرست، پوشیده نیست که نجاشی در سامان دادن بسیاری از عناوین یاد شده در «باب الألف» کتاب خود، از الفهرست بهره برده است^{۲۲}. گرچه این دو کتاب در پاره‌ای از داده‌ها با هم اختلاف دارند، ولی تفاوتی چنین نقش آفرین، کوشش در دست یابی به نسخه‌های آنها را در پی دارد.

گزارش‌هایی که از نسخه‌های رجال النجاشی و نگاشته‌های دور نزدیک رجالی به دست آمده است، نشانگر هماهنگی این مجموعه در عبارت «له کتب منها»^{۲۳} است، ولی گزارش‌های به دست آمده از نسخه‌های الفهرست نشان از اختلاف در عبارت «صنّف لنا كتباً منها» دارد.

کهن‌ترین گزارش، گزارش ابن داود حلی در کتاب الرجال است که در آن عبارت «صنّف كتباً»^{۲۴} دیده می‌شود. میرزای استرآبادی گرچه در کتاب خود، منهج المقال، به گونه‌ای روشن از الفهرست گزارش نکرده است، ولی شاید بتوان از مجموع عبارات وی همسویی نجاشی و شیخ طوسی را نتیجه گرفت:

إبراهيم بن حکم بن ظهیر الغزاري، أبو إسحاق، ابن صاحب التفسير عن السدي. له كتب، منها: كتاب الملاحم وكتاب الخطب، جش، ست، ثم في ست: خطب عليّ^{۲۵}.

مجمع الرجال قهپایی عبارت «صنّف لنا كتباً منها»^{۲۶} را گزارش کرده است.

در کتاب تنقیح المقال با عباراتی روبرو هستیم که نشانگر عدم اختلاف محتوایی میان نجاشی و شیخ طوسی است. نگارنده‌ی کتاب پس از نقل عبارات رجال النجاشی، چنین آورده است: «وفي الفهرست مثل قول النجاشي مبذلاً الخطب، ب-: خطب عليّ عليه السلام».

مجمع رجال الحديث نیز در عبارت «صنّف كتباً، منها»^{۲۷} را گزارش کرده است.

از میان سه چاپ در دست از الفهرست، دو چاپ منشورات الرضي^{۲۸} و نشر الفقاهه^{۲۹} با رجال ابن داود و مجمع رجال الحديث هماهنگ اند. تنها چاپ مکتبه المحقق الطباطبائي است که

۲۰ الفهرست، ص ۱۰، ش ۹.

۲۱ قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۷۲، ش ۸۶.

۲۲ بوی نمونه مفاسد کتب رجال النجاشی، ص ۱۲، ش ۱۲، الفهرست، ص ۱۰، ش ۷.

۲۳ ش ۱۰، ص ۱۸، ش ۲۰، با ص ۱۵، ش ۱۰، با ص ۱۵، ش ۱۳، با ص ۱۶، ش ۱۷، ص ۲۰، با ص ۱۵، ش ۱۸، ص ۲۳، با ص ۱۶، ش ۲۹.

۲۴ منهج المقال، ج ۱، ص ۳۰، ش ۶۳، با ص ۱۹، ش ۲۲، ج ۱، ص ۳، ش ۳۶۱، ص ۱۲۰، ش ۲۸، ش ۳۲.

۲۵ رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۵۹، د ص ۱۸۶، ش ۱۲، فلول.

۲۶ مجمع رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۷۲، ش ۱۵۹، مجمع رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۰، ش ۲۷۰.

۲۷ کتاب الرجال، ص ۱۲۵، ش ۱۲۵.

۲۸ منهج المقال، ج ۱، ص ۱۱۳، ش ۱۵.

۲۹ مجمع رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۱۶، ش ۱۳۵.

۳۰ رجال النجاشی، منشورات الرضي، ص ۱۰، ش ۹.

۳۱ رجال النجاشی، منشورات الرضي، ص ۱۰، ش ۹.





عبارت «صنف لنا کتابا، منها» را آورده است، که پیش از این گذشت. نکته مهم در این کتاب پانوشتی است که در توضیح واژه «لنا» می بینیم. محقق کتاب در توضیح این واژه آورده است: «عن نسخه ش^{۵۶}».

پیام این پانوشت بسیار روشن است؛ از میان نسخه هایی که در تحقیق و تصحیح کتاب از آنها بهره گرفته شده است، تنها نسخه «ش» عبارت «صنف لنا کتابا منها» را گزارش کرده است، و دیگر نسخ گزارشگر عبارت «صنف کتابا منها» هستند. برپایه گزارش مقدمه کتاب چنین می نماید که از میان ده نسخه در اختیار محقق کتاب، نسخه «ش» از کمترین ارزش برخوردار است.^{۵۶}

۵۶. الفهرست، ص ۱۰، پانوشت ۵.
۵۷. الفهرست، مقدمه الأعداد، ص ۵ - ۱۲.

برآیند آنچه گذشت

بسیار دور می نماید که برپایه آنچه گذشت، بتوان عامی بودن ابراهیم بن حکم بن ظهیر از نگاه شیخ طوسی را نتیجه گرفت؛ چه، پشتوانه استواری از نسخه ها و گزارش های کهن در دست نیست، بلکه درنگی کوتاه در گزارش های در دست و پیوستگی تنگاتنگ رجال النجاشی با الفهرست در بسیاری از عناوین «باب الالف»، سخن از اشتباه و تحریف در عبارت «صنف لنا کتاباً را در پی دارد؛ بدین گونه که بگوییم؛ واژه «کتاباً» در پاره ای از نسخ به شکل «لنا» نگاشته شده بوده که بسیاریه واژه «لنا» شبیه است، سپس در گذر زمان در مقابله ها و استنساخ های انجام گرفته، «لنا» به عنوان نسخه بدلی از «کتاباً» گزارش شده، ولی به دلیل شباهت بسیار این واژه با «لنا» در برخی از استنساخ ها و به اشتباه به متن راه پیدا کرده و عبارت «صنف لنا کتاباً» را پدید آورده است. به دیگر سخن، عبارت «صنف لنا کتاباً» نسخه و نسخه بدل را در خود جای داده است. گفتنی است که این گونه از تحریف، چه در عناوین راویان و چه در دیگر عبارات ها، بسیار رخ نموده است.

بنابراین، برپایه باور جمعی از دانشیان رجالی امامیه، خودداری نجاشی و شیخ از نمایاندن نادرستی مذهب ابراهیم بن حکم بن ظهیر، باید اورا امامی صحیح المذهب دانست.

۵۸. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۲۷، ص ۷۳.
۵۹. مکتبیه بهاسان المیزان، ج ۱، ص ۲۹.

نادرستی یک پندار

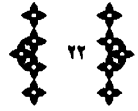
ذهبی در کتاب میزان الاعتدال، مذهب ابراهیم بن حکم بن ظهیر را «شیعی جلد»^{۵۸} می شناساند. پس از او این حجر عسقلانی نیز، از همین عبارت بهره برده است.^{۵۹} پرسش این است که: آیا شیعی خواندن ابراهیم بن حکم بن ظهیر از نگاه این دورا می توان نشان از درستی مذهب وی دانست؟

پرسش به این پاسخ را در کلمات ذهبی جستجو می کنیم. او در یادکرد حسن بن صالح بن حیثی ثوری، و به گاه سخن از شخصیت روایی وی چنین می گوید:

کتاب شیعه (۲)
سالی اوله، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(مقالات)
ابراهیم بن حکم بن ظهیر





قال زكيه: حسن بن صالح عندي إسم. فقيل له إنه لا يترحم على عثمان، فقال: افتترحم أنت علي الحجاج؟
قلت: لا بارك الله في هذا المثال. ومراة: أن ترك الترحم سكوت، والسكوت لا ينسب إليه قول، ولكن من سكوت عن ترحم مثال الشهيد أمير المؤمنين عثمان، فإن فيه شيئاً من تشييع، فمن نطق فيه بقضي وتقص وهو شيعي جلد يؤذّب*.

۶۰. سیر اعلام النبلاء ج ۷، ص ۳۶۹ - ۳۷۰.

همود ریختی از یاد کرد علی بن عمر بن احمد دارقطنی می گوید:

ليس تفضيل علي برفض ولا هويدة، بل قد ذهب إليه خلق من الصحابة والتابعين، فكل من عثمان وعلي ذو فضل وسابقة وجهاد، وهما متقاربان في العلم والجلالة، ولعلمهما في الآخرة متساويان في الدرجة. وهما من سادة الشهداء - رضی الله عنهما، ولكن جمهور الأمة على ترجيح عثمان على الإمام علي وإليه تذهب. والخطب في ذلك يسير، والأفضل منهما بلا شك أبو بكر، ومن خالف في ذا، فهو شيعي جلد*.

۶۱. پیشین ج ۱۶، ص ۲۵۷ - ۲۵۸.

بنابراین، معیار در شیعی خواندن، و یا حتی «شیعی جلد» خواندن يك راوی، گونه نگاه به وی به برتری امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سه خلیفه نخستین است، نه باور به امامت علی علیه السلام و فرزندان وی علیهم السلام، به عنوان مقامی واگذار شده از سوی خدای متعال که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز، وظیفه رساندن این حقیقت به امت را بردوش می کشید. و درست بر پایه همین معیار است که يك راوی چون «کثیر التواء» از نگاه عامه «شیعی جلد» یا «شیعی مفرط» است، ولی از نگاه دانشیان امامیه، هموزیدی برتری است*.

۶۲. مقایسه کنید: رجال الکشي، ص ۳۳۲، ش ۱۲۲۲
و رجال الطوسي، ص ۱۱۲، ش ۱۵۶۲ را با الکمال
في صفاء الرجال، ج ۶، ص ۶۶، ش ۱۱۶۰۲ و میزان
الأعتدال، ج ۴، ص ۳۲۲، ش ۶۹۳۰ همچنین بنگرید
به رجال البرقي، ص ۱۱۴، ش ۱۰۸۰.

